نامهٔ مردم
ضمیمهٔ کارگری
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شمارهٔ ۹۳، ۱۰ دی ۱۴۰۳

خواست‌های کارگران و کارمندان صنعت برق: «امنیت شغلی» و «قراردادهای» رسمی

فراگیر شدن قراردادهای موقت برای مشاغل دائمی و عدم امنیت شغلی یکی از دغدغه‌های اصلی کارگران فنی، کارگران سیم‌بان، تکنیسین‌ها، و اپراتورهای انتقال و فوق توزیع برق (کلاه زردها) در وزارت نیرو است. بهره‌بردارها و یا به‌عبارتی دیگر، اپراتورهای غیررسمی شاغل، از سراسر کشور در آبان‌ماه سال جاری در اعتراض به عدم انجام وعده‌های مسئولان در مقابل ساختمان وزارت نیرو در تهران تجمع کردند. در تجمع‌های قبلی آنان که سه هفته پیش از آن به‌مدت یک روز در مقابل وزارت نیرو برگزار شده بود، مسئولان وزارت نیرو در جلسه بررسی خواست‌های‌شان که با حضور برخی نمایندگان کارگری برگزار شده بود، با امضای صورت‌جلسه قول داده بودند در عرض دو هفته به مطالبات آنان رسیدگی شود، قولی که هنوز عملی نشده است. خواست اپراتورهای پیمانی تعیین وضعیت شغلی، قرارداد رسمی، رفع تبعیض در پاداش و دریافت حقوق و مزایای مزدی متناسب با دریافتی کارکنان رسمی وزارت نیرو است. در حدود ۴ تا ۵ هزار نفر کارگران اپراتور پیمانی انتقال و فوق توزیع برق غیررسمی در وزارت نیرو که در حقوق و مزایای آنان در مقایسه با کارگران رسمی اختلاف زیادی وجود دارد، دریافت دستمزد و مزایایی قابل قیاس با کارکنان رسمی را خواهان هستند، اما مدیران شرکت برق منطقه‌ای مدت‌ها است که به مطالبات این۴ تا ۵ هزار اپراتور پیمانی توجهی نمی‌کنند. اپراتورهای پیمانی برق منطقه‌ای استان اصفهان نیز در آبان‌ماه در مقابل ساختمان شرکت تجمع کردند و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل را خواستار شدند و به اختلاف چشمگیر حقوق‌شان با پرسنل رسمی در برق منطقه‌ای اصفهان اعتراض کردند. از دیگر مشکلات تکنیسین‌ها و کارگران فنی و اپراتورها و سیم‌بان‌های شرکت توزیع برق کشور شرایط سخت کار، عدم ایمنی کار، و نقش انگلی شرکت‌های پیمانکار و دلال نیروی کار درمجموع است.

ادامه در صفحه ۳

نظری فشرده به وظایف مرحله کنونی؛ اهمیتِ پیوند دادنِ مبارزهٔ زحمتکشان برای مطالبه‌های فوری با جنبش ضد دیکتاتوری!

در شرایط بحرانی کنونی که وضعیت معیشت طبقه کارگر و زحمتکشان روز به‌روز وخیم‌تر می‌شود و نرخ افزایش حداقل دستمزدها با گذشت بیش از نُه ماه از آغاز سال هیچ‌گونه تناسبی با نرخ تورم، افزایش وحشتناک قیمت ملزومات زندگی، و کلاً هزینه سبد معیشت ندارد. در جلسه آبان‌ماه شورای عالی کار نه تنها دستمزدها ترمیم نشد، بلکه موضوع بسیار مهم حق مسکن نیز طرح نگردید.

در این میانه طی دومین بخش از نشست‌های به‌اصطلاح تخصصی مزد که با حضور معاون روابط کار وزارت کار در محل مؤسسه کار و تأمین اجتماعی به‌تاریخ ۱۷ آذرماه برگزار شد، بار دیگر مجموعه سیاست‌های تعدیل ساختاری، مقررات‌زدایی، اصلاح قانون کار اما عملاً سرکوب مزدی کارگران، مطرح و مورد تأیید نمایندگان دولت قرار گرفت. معاون مدیرکل دفتر سیاستگذاری و توسعه اشتغال وزارت کار در توجیه این سیاست‌ها همراه با استفاده از بسیاری مفاهیم ضد کارگری در سخنرانی‌ای پرطمطراق اما با محتوایی پوچ گفت با "پیدایش

ادامه در صفحه ۲

فرهنگیان؛ مبارزهٔ اثرگذار علیه خصوصی‌سازی نظام آموزشی و استبداد حاکم

در سال‌های اخیر فرهنگیان کشورمان یکی از نیروهای فعال در مبارزه علیه رژیم ولایت فقیه بوده‌اند. در حین مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و همرزمان فرهنگی خود، حامیان پیگیر جنبش دانشجویی، مبارزان طبقه کارگر، جنبش پرستاران، مبارزان جنبش بازنشستگی، مبارزه دانش‌اموزان، و مبارزانی پیگیر علیه حجاب اجباری و قوانین ضد زن و تبعیض جنسیتی و غیره بوده‌اند. به‌رغم اعتراضات گستردهٔ بازنشستگان فرهنگی، رژیم ولایی هدف انحلال صندوق بازنشستگی کشوری را دارد. در این مورد ۱۱ آذر بازنشسته کشوری محمدزاده گفت، "دارایی هر صندوق اموال بیمه‌شدگان آن است و دولت نباید یکطرفه در مورد مالکیت و سرنوشت این دارایی‌ها تصمیم‌سازی کند." در واقع در هفته‌های اخیر بازنشستگان فرهنگی که سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ بازنشست شده‌اند، برای دریافت پاداش پایان خدمت خود که با افزایش قیمت دلار به ۷۸ هزار تومان روزانه ارزش خود را از دست می‌دهد، بعضی هفته‌ها حتا سه بار از استان‌های مختلف به تهران آمده و با خواسته‌های متعددی مانند اصلاح رتبه‌بندی، و حتا اصلاح متناسب‌سازی مقابل ساختمان مجلس، نهاد ریاست جمهوری، ساختمان برنامه و بودجه و وزارت آموزش و پرورش تجمع‌های اعتراضی برگزار کرده‌اند. این بازنشستگان ۱۷ آذر گفتند، "حقوق بازنشستگی ما عادلانه نیست؛ بایستی اصلاحات انجام شود." تا اینکه اخیراً معاون حقوقی وزیر آموزش و پرورش دولت پزشکیان صرفاً اعلام کرد، "بودجه‌ی کافی برای پرداخت پاداش بازنشستگان نداریم." قبل از آن ۲۰ آذر رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس تاجگردون گفته بود، "دولت هم حرف‌هایی دارد و نگران مطالبات بعد از این هستند که دیگر بازنشستگان هم همین‌ها را مطرح کنند در اینصورت این سونامی همین‌گونه ادامه پیدا خواهد کرد." به عبارت دیگر، غارتگران مجلس‌نشین و مسئولین ضدمردمی دولت پزشکیان تصمیم گرفته‌اند صرفاً با اعلام اینکه "بودجه‌ی کافی ... نداریم"، جلوی "سونامی" را بگیرند

بعد از غارت صندوق‌های بازنشستگی زحمتکشان تحت رهبری ولی‌فقیه خامنه‌ای، رژیم ضدمردمی تصمیم به پرداخت حقوق و مستمری زحمتکشان بر

ادامه در صفحه ۲

پیش به‌سوی شکل‌گیری جنبش اعتصابی سراسری کارگران ایران!

ادامهٔ نظری فشرده به وظایف مرحله کنونی؛ ...

'کارپذیر آزاد' و پدیده‌ای بدیع به‌نام 'ابر انسانی' و دگرگونی واژه‌های کارگر و دستمزد مواجه هستیم"، و حتی مدعی شد که "دگرگون شدن شکل و محتوای عنصر وجودی کارگر با مفهوم تاریخی آن کنش‌های طبقه کارگر را تغییر داده و مفهوم شعار محوری کارگران یعنی 'پرولتاریای جهان متحد شوید' را به تاریخ سپرده است." به‌یقین ریشه فکری این سیاست‌ها حاصل الگوبرداری کورکورانه از سیاست‌های موسوم به "اجماع واشنگتن" و "صندوق بین‌المللی پول"، و "بانک جهانی" است، سیاست‌هایی که همواره در خدمت منافع طبقه سرمایه‌دار جامعه هستند. با چنین بنیاد فکری‌ای کارگرستیز علیه همبستگی زحمتکشان و تشکل‌های مستقل‌شان است که در ادامه این نشست بر لزوم اصلاح ماده ۴۱ قانون کار که طبق آن میزان حداقل دستمزد کارگران باید متناسب با نرخ تورم و هزینه سبد معیشت افزایش یابد تأکید شد. حاضران در این جلسه ضمن تأیید سیاست‌های کارگرستیز تعدیل ساختاری، برنامه‌های اقتصادی‌ای از قبیل اجرای حداقل دستمزدها برپایه منطقه‌ای همراه با ضریب‌های منطقه‌ای حق مسکن را مطرح کردند، برنامه‌هایی که نتیجه‌شان جز تقلیل قدرت خرید کارگران و تشدید روزافزون شرایط طاقت فرسای معیشتی و استثمار شدیدتر چیزی دیگر نخواهد بود.

در این نشست غلامحسین حسینی‌نیا، نماینده رژیم ولایت فقیه در سازمان بین‌المللی کار، برای این که از قافله عقب نماند ضمن این‌که درمجموع سیاست‌های نولیبرالی دولت را مطابق با نیازهای جامعه قلمداد کرد، با مانوری فریبکارانه "افزایش دستمزدِ بالاتر از توان کارفرمایان" یعنی کاهش-یا به‌عبارتی زدن ناخنکی به- ثروت‌اندوزی کارفرماهای سرمایه‌دار را به زیان نیروی کار دانست و افزود: "این کار منجر به کاهش سرمایه‌گذاری و تولید و درنهایت رشد منفی اقتصادی و بیکاری کارگران می‌شود." از یک طرف او از پوشش حداقل دستمزد به عنوان یک اصل کلیدی سازمان بین‌المللی کار نام برد و مدعی شد که ایران در این زمینه در وضعیتی مناسب است و از طرفی دیگر آش به‌قدری شور بود که ناچار اذعان کرد: "این دستمزد به استانداردهای معیشتی نزدیک نیست" [!]. بدیهی است حکومت جمهوری اسلامی حق کارگران را فقط در چارچوب و حدو حدود "بذل و بخشش" قابلِ قبولِ سرمایه‌داران انگلی و رانت‌خوار یعنی پایگاه طبقاتی حکومتش تأیید می‌کند و دستمزد عادلانه و نیازهای اولیه کارگران و زحمتکشان به‌هیچ‌وجه برای چنین حکومتی ملاک نیست.

مردم میهن ما و آحادش به‌طورعمده طبقه کارگر و زحمتکشان شهر و روستا هستند. با تشدید بحران‌های اقتصادی نارضایتی در میان آنان پدید آمده و به‌این دلیل تجمع‌هایی اعتراضی و اعتصاب‌هایی متعدد در سراسر کشور را شاهد هستیم. این واقعیت نشانه ژرفش نارضایتی‌ها و ابراز همبستگی با مبارزات مجموع کارگران و زحمتکشان میهن ما در این مرحله است.

از این‌رو است که در روزهای اخیر کارگران و زحمتکشان شاغل در مؤسسه‌های تولیدی و خدماتی با وجود خطر اخراج از کار و سرکوب از جانب سرمایه‌داران و نیروهای امنیتی رژیم ولی فقیه، برای حذف این سیاست‌ها و دستیابی به سایر خواست‌های‌شان در کنار جنبش همگانی ضد استبدادی مبارزه می‌کنند. در این شرایط این پرسش مطرح می‌شود که نقش مبارزه برای خواست‌های صنفی و فوری طبقه کارگر در پیشبرد مبارزه توده‌ای علیه دیکتاتوری ولایی چیست؟ واقعیت این است که اجرای سیاست‌های مبتنی بر نسخه‌های نولیبرالی سرمایه‌داری توسط رژیم در جهت سوداندوزی سرمایه‌داران انگلی و رانت‌خور و درنتیجه ایجاد فشارهای معیشتی بر اکثریت جامعه، اهمیت یافتن راهکارهایی برای پیوند جنبش سندیکایی- کارگری با مبارزه همگانی علیه استبداد را در دستور کار قرار داده است. در شرایطی که شکاف بین دستمزد اکثریت زحمتکشان با مخارج روزمره آنان ژرف‌تر می‌شود، حکومت جمهوری اسلامی قدرت و اراده حل بحران‌های اجتماعی- اقتصادی را ندارد. در این میان تنها راه طبقه کارگر و سایر زحمتکشان برای دستیابی به حقوق‌شان از طریق تشدید مبارزه سندیکایی و تقویت هرچه بیشتر نقش طبقه کارگر در مبارزه همگانی علیه دیکتاتوری حاکم و نیروهای ارتجاعی وابسته به امپریالیسم می‌گذرد. ما همواره بر اهمیت نقش جنبش کارگری در مبارزه علیه دیکتاتوری حاکم تأکید داشته‌ایم. به‌اعتقاد ما جنبش کارگری و سندیکایی با وجود کمبودها، سرکوب‌ها و تهدیدهای امنیتی با هشیاری و شم طبقاتی‌اش در جریان مبارزات روزمره بنیه‌اش را تقویت می‌کند. مسیر رشد و استحکام سازمانی، تشکیلاتی و نظری در جریان همین مبارزات جاری صورت می‌گیرد. رشد آگاهی طبقاتی توده‌های کارگر در مقایسه با چندسال اخیر بسیار امیدوار کننده است. هم‌زمان با تقویت بنیه سازمانی می‌توانیم تغییر کمی و کیفی اعتصاب‌ها را مشاهده کنیم. ازاین‌رو برخلاف مدعیات گرایش‌هایی در جنبش سندیکایی که مبارزه را فقط در حد و حدود خواست‌های صنفی ارزیابی می‌کنند، مبارزات جاری طبقه کارگر ضمن آنکه بر مطالبه‌های صنفی و فوری متمرکز است خصلت و ماهیتی سیاسی دارند و جهت‌گیری‌شان علیه استبداد حاکم و مداخله خارجی امپریالیستی است. بنابراین اکنون می‌توان یادآور شد جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی باوجود همه کاستی‌ها بخشی مهم و اثرگذار در جنبش مردمی برضد نظام استبدادی هستند.

نمود تأثیر متقابل این جنبش‌ها در ماه‌های اخیر در گسترش اعتصاب ده‌هاهزار نفری کارگران پروژه‌ای در بخش‌های راهبردی نفت و گاز، پتروشیمی و صنایع فولاد و سراسری شدن این اعتصاب‌ها برای بسیاری خواست‌های صنفی از جمله حذف پیمانکاران دلال نیروی انسانی، اجرای ۱۴ روز کار ۱۴ روز مرخصی، افزایش دستمزدها، بهبود شرایط زیستی در گرمای طاقت فرسای ۵۰ درجه سانتیگراد به بالا، دیده می‌شود. این اعتصاب‌ها و تجمع‌های اعتراضی اخیر بازنشستگان، کارگران، و دیگر زحمتکشان برای معوقات مزدی در بسیاری از شهرداری‌ها، بیمارستان‌ها و مؤسسه‌های دولتی و خصوصی ازجمله شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا)، شرکت دخانیات ایران، شرکت مخابرات ایران، پالایشگاه فجر جم در بوشهر، پتروشیمی امیرکبیر، کارگران ارکان ثالث در پالایشگاه های گاز عسلویه و کارگران گاز پارس جنوبی برای خواست‌های صنفی فوری‌شان که با شعارهای: "وزیر کار تذکر! این آخرین پیام است!"، "بدون ما کار شما تمام است!"، و "یک کلام یک کلام! مزدِ بدون تبعیض وسلام!"، تجمع کرده بودند، نشانگر رشد جنبش طبقه کارگر و تشدید مبارزه نه فقط برای خواست‌های صنفی، بلکه برای دستیابی به تغییرهای اساسی و درهم‌شکستن دیکتاتوری حاکم است. دراین زمینه استقلال عمل طبقاتی و ضرورت اتحادعمل فراگیر بسیار حیاتی است.

ادامه ثمر بخش حرکت‌های اعتراضی بازنشستگان، کارگران، کارمندان، پرستاران، و سایر زحمتکشان در گرو تلاش پیگیر مبارزان جنبش کارگری و سندیکایی برای سازمان دادن و ایجاد همبستگی بین همه این نیروها و همراهی با جنبش همگانی علیه دیکتاتوری است. از همه امکانات برای تشدید مبارزه کارگران و زحمتکشان و حرکت به سمت سازماندهی اعتصاب سراسری باید استفاده کرد.

ادامهٔ فرهنگیان؛ مبارزهٔ اثرگذار علیه ...

مبنای به اصطلاح متناسب‌سازی گرفته است. مانند بازنشستگان کارگری سازمان تامین اجتماعی، بازنشستگان صندوق بازنشستگی فولاد، لشگری، و غیره، دستمزد و مستمری فرهنگیان شاغل و بازنشسته صندوق بازنشستگی کشوری نیز بر اساس متناسب‌سازی پرداخت می‌شود. با روی کار آمدن دولت پزشکیان و همراهی رهبران تشکل‌های زرد حکومتی، غارت صندوق بازنشستگی تامین اجتماعی که بخشی از اموال کارگران هنوز باقی‌مانده است، حتا تشدید نیز شده است. به‌عنوان نمونه‌ای، در حالیکه با سبد معیشت حدود ۴۰ میلیون تومانی و با همراهی رهبران تشکل‌های زرد حکومتی، بر اساس متناسب‌سازی مستمری بازنشستگان حداقل‌بگیر کارگری با مستمری حدود ۷ میلیون تومان درماه، فقط ۷۱۶ هزار تومان افزایش یافته است، برای تشدید تبعیض و در حالیکه دستمزد پرستاران تامین اجتماعی حدود ۱۵ میلیون تومان در ماه است، اخیراً با بخشنامه‌ای و از اندوخته‌های کارگران و بازنشستگان حداقل‌بگیر یک شبه درآمد پزشکان تامین اجتماعی را از ۱۲۰ میلیون تومان در ماه به ۱۸۰ میلیون تومان در ماه رساندند. بعد از ماه‌ها به اصطلاح اصلاح احکام حقوقی بازنشستگان "فرهنگی - کشوری"، در نهایت اول دی‌ماه احکام حقوقی جدید بازنشستگان فرهنگی بر مبنای متناسب‌سازی صادر شد؛ با انتقاد شدید از مبالغ احکام جدید، بازنشستگان فرهنگی اعلام کردند، "انچه وعده داده بودند محقق نشد." رژیم ولایی وعده داده است که: مابه‌التفاوت هشت ماه اول سال بازنشستگان کشوری نیز سال آینده به حساب آن‌ها واریز خواهد شد. با اشاره به حقوق ۱۲ میلیون تومانی خود، دوم دی‌ماهه یک بازنشسته فرهنگی از افزایش فقط "۲۰۰ هزار تومانی" حقوق خود بر اساس متناسب‌سازی به ایلنا خبر داد. بازنشستگان فولاد قبلاً بیش از "۵ بار به صورت سراسری در تهران تجمع کرده‌اند"؛ مانند بازنشستگان فرهنگی، بار دیگر در اعتراض به عدم تحقق خواسته‌هایشان، دوم دی‌ماه بازنشستگان فولاد از بسیاری از استان‌ها به تهران آمدند و مقابل وزارت کار تجمع اعتراضی برگذار کردند. مبارزهٔ فرهنگیان علیه خصوصی‌سازی آموزش و برنامه‌های واپس‌گرایانه بخش مهم و اثرگذار در مجموعهٔ جنبش مردمی است.

۳ ۱۰ دی ۱۴۰۳

نامه مردم

شمارهٔ ۹۳

اصلاح قانون بیمه بیکاری عامل تخریب امنیت شغلی طبقه کارگر است!

در ادامه سیاست‌های تعدیل ساختاری که پیامدشان جز ویرانی مهم‌ترین بخش‌های تولید ملی کشورمان چیزی دیگر نبوده است، دولت پزشکیان تمام تلاشش را برای سرکوب مزدی طبقه کارگر و تخریب امنیت شغلی زحمتکشان به‌کار می‌برد. در سال جاری نیز روند اجرای برنامه‌های اجتماعی- اقتصادی کارگرستیز شتابی بیشتر داشته است. هدف این سیاست‌ها، مقررات‌زدایی و کاهش دستمزدها به‌منظور سوداندوزی افزون‌تر سرمایه‌داران انگلی از طریق استثمار هرچه بیشتر کارگران و زحمتکشان است. یکی از خواست‌های طبقه کارگر دراین مقطع زمانی دریافت حق بیمه بیکاری مندرج در "قانون بیمه بیکاری" است. تحت پوشش این قانون نیم‌بند رژیم ولایت فقیه، افرادی که کارشان را از دست داده‌اند می‌توانند از مزایای بیکاری‌ای محدود برخوردار شوند. بدیهی است در حال حاضر عدم دسترسی مستمر به بیمه بیکاری برای تعداد کثیری از زحمتکشان همراه با افزایش نرخ بیکاری شرایط معیشتی زحمتکشان را دشوارتر می‌کند.

در اواخر آبان‌ماه سال جاری، رئیس اداره بیمه بیکاری سازمان تأمین اجتماعی گفت: "تعداد مقرری بگیران بیمه بیکاری در شهریورماه سال جاری نسبت به اسفندماه سال گذشته کاهش یافت." این آمار جعلی ارایه شده مبنی بر این که کاهش تعداد بیکاران از تیرماه ۱۴۰۰ تا به حال در اثر "توانمند سازی و آموزش آن‌ها" بوده است و پس از دیدن آموزش‌های لازم و گذراندن دوره‌های مهارتی این تعداد از ۲۷۰ هزار نفر در آن زمان، اکنون به ۱۴۰ هزار نفر رسیده است، چیزی جز فریب و تزویر آشکار نیست. بر همگان مثل روز روشن است که این ادعای مسئولان دولت که تعداد کارگران بیکار دریافت کننده بیمه بیکاری در سال اخیر کاهش یافته است، به‌معنای کاهش نرخ بیکاری نیست، زیرا خیلی عظیم از زحمتکشان تحت پوشش بیمه بیکاری نیستند. بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران در تابستان سال جاری، نرخ بیکاری در جمعیت ۱۸ تا ۳۵ ساله کشور به ۱۴٫۸ درصد رسید. با وجود این آمار رسمی صحبت از تأثیر مثبت قانون بیمه بیکاری و آن هم با محدودیت‌های اضافی تدوین شده در سال جاری، فریبی بیش نیست.

دولت پزشکیان برای سنگ‌اندازی و ایجاد مانع در راه دریافت "بیمه بیکاری محدود" که با قانون نیم‌بند بیمه بیکاری مطابق است، در برنامه‌ای که با عنوان: "لایحه اصلاح قانون بیمه بیکاری" در سال جاری ارائه کرده است، علاوه بر سایر مفاد ضد کارگری آن خواهان اجرای این محدودیت‌ها شده است:

کارگران وادار شوند که علاوه بر حق بیمه بیکاری پرداخت شده توسط صاحبان شرکت‌ها، بخشی از درآمد ناچیز خود را به پرداخت حق بیمه بیکاری اختصاص دهند.

پرداخت مقرری بیمه بیکاری منوط به شرکت در آموزش‌های مهارتی الزامی باشد.

دوره استفاده از بیمه بیکاری به۳۰ ماه برای کارگران متأهل و ۲۴ ماه برای مجردها کاهش یابد.

دوره دریافت مقرری بیکاری که جزو سنوات کار محسوب می‌شود به یک سال کاهش یابد.

بی‌دلیل نیست که برخی فعالان کارگری به‌درستی یادآوری می‌کنند اصلاح قانون بیمه بیکاری درآمدزایی از جیب کارگران است. تاوان ناترازی صندوق و سوءمدیریت را کارگران می‌دهند.

گسترش پوشش و اجرای عادلانه قانون بیمه بیکاری باعث می‌شود همه کارگران از بیمه بیکاری و امنیت شغلی با ثبات‌تری برخوردار باشند.

پس از گذشت سه دهه از ادامه سیاست‌های تعدیل ساختاری از طرف دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی، کارگران و زحمتکشان میهن ما با شرایط معیشتی و اقتصادی‌ای دشوار روبرو هستند، شرایطی که از نبودِ امنیت شغلی و مخالفت با افزایش و ترمیم دستمزدهای متناسب با نرخ تورم و تدوین اصلاحات قانون کار و قانون بیمه بیکاری به‌نفع کلان‌سرمایه‌داران ناشی است. طبقه کارگر ایران در طی دهها سال مبارزه برای ابتدایی‌ترین حقوق صنفی‌اش اکنون پی می‌برد دستیابی به این خواست‌ها درنهایت با پیوند دادن مبارزات سندیکایی- صنفی با مبارزه سیاسی برای جایگزین کردن دیکتاتوری ولی فقیه با جمهوری ملی و دمکراتیک امکان‌پذیر می‌گردد.

پویهٔ پیدایش سندیکاهای کارگری در ایران - بخش بیست و ششم

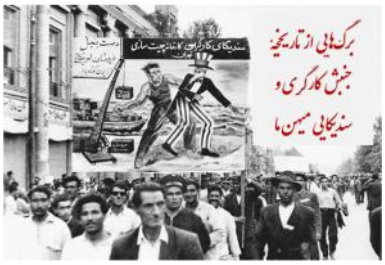

در فاصلهٔ زمانی کودتای ۲۸ مرداد تا انقلاب بهمن یعنی از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ دوران سرکوب جنبش سندیکایی به‌شمار می‌آید، اما درعین حال ما شاهد تداوم مبارزه در شکل‌های گوناگون هستیم. این ۲۵ سال سرشار از تغییرها و تحول‌هایی است که همه جوانب زندگی را دربر می‌گیرند. به‌لحاظ رشد سرمایه‌داری نیز دراین دوران سرمایه‌داری ژرف‌تر از گذشته در ساختار اجتماعی ایران نفوذ می‌کند. به‌موازات این گسترش مناسبات سرمایه‌داری، طبقه کارگر نیز نقش و جایگاه مهم‌تری در تولید اجتماعی می‌یابد. در دههٔ چهل خورشیدی (قرن گذشته هجری) ما شاهد اصلاحات نیم‌بند ارضی شاه هستیم که خود منشاء تحول‌هایی دامنه‌دار است. آنچه بسیار فشرده اشاره شد سیمای کلی آن شرایط را ترسیم می‌کند. مبارزه طبقه کارگر بلافاصله پس از کودتای ۲۸ مرداد به‌شکل متفرق شروع می‌شود. تنها در سال‌های ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۲ بیش از ۲۰۰ اعتصاب برپا می‌شود. در سال ۱۳۳۴ یعنی در نخستین سال‌های کودتا و سیطرهٔ کنسرسیوم نفت، کارگران آبادان دست به‌اعتصاب می‌زنند. در تابستان و پاییز سال ۱۳۳۶ کارگران نفت مسجد سلیمان و اغاجاری سلسله اعتصاب‌ها و اعتراض‌هایی را برپا می‌کنند. ازجمله خواست‌های کارگران افزایش دستمزد و به‌رسمیت شناختن حق اعتصاب بود. در همین ایام کارگران آجرپزی تهران و کارگران معادن رباط کریم اعتصاب به‌راه می‌اندازند. علی‌رغم سرکوب پس از کودتای ۲۸مرداد مبارزه ادامه دارد.

پایان بخش بیست و ششم - ادامه دارد

ادامهٔ خواست‌های کارگران و ...

سال‌ها است که به شرایط کاری و معیشتی هزاران نفر اپراتور و سیم‌بان در وزارت نیرو رسیدگی نمی‌شود. شرایط کاری سیم‌بان‌ها ایمن نیست و وسایل و تجهیزات ایمنی خوب و با کیفیت مناسب در اختیار آنان قرار نمی‌گیرد. ازاین‌روی، در شرایط کار بسیار دشوار و خطرناک‌شان هر سال شماری از این گروه از کارکنان وزارت نیرو در اثر حوادث کاری جان‌شان را از دست می‌دهند و یا مصدوم می‌شوند.

روند رسمی شدن قرارداد این بخش از زحمتکشان پیمانی وزارت نیرو که از طریق برگزاری آزمون صلاحیت حرفه‌ای مشمولان بخشنامه تأمین نیروی انسانی برای کارکنان پیمانی غیررسمی با ۱۵ سال سابقه کار انجام می گیرد، بسیار کُند و غیر قابل قبول است. از این طریق ۴ هزار نفر یعنی فقط ۵ درصد کارکنان غیررسمی شامل تبدیل وضعیت می‌شوند. بسیاری از کارکنان غیررسمی از خلاف‌کاری و فساد اداری در نحوه اجرای این آزمون و اعمال نفوذ مدیران دولتی شکایت دارند. یکی از فعالان کارگری در سایت "برق نیوز" نوشته است: "بر چه مبنایی افرادی را در این آزمون شرکت دادند که سابقه حضورشان یک سوم ما هم نمی‌شه... چطور شرکت کردند، چارت‌های اداری را چطور به افراد نور چشمی اختصاص دادند و افرادی را که جان خود را کف دست گرفتند و بر روی شبکه برق‌دار کار می‌کنند، سرشان بی‌کلاه مانده؟ چرا نیرویی که نزدیک به ۲۰ سال سابقه در شرایط کاری سخت داشتند و کم کم به فکر بازنشستگی هستند جزو این گروه نیستند؟" به‌گفتهٔ کارگران پیمانی افرادی هم بوده‌اند که سابقه کار لازم را برای شرکت در آزمون داشته‌اند، ولی چون شرکت پیمانکار برای‌شان بیمه را رد نکرده است، نمی‌توانند در آزمون شرکت کنند. از طرفی دیگر با اعمال نفوذ در شرکت بیمه برای عده‌ای بیمه ساختگی رد کرده‌اند تا بتوانند در آزمون شرکت کنند. در شرایط بسیار آشفته تحمیل قراردادهای غیررسمی، عدم امنیت شغلی، نبود ایمنی محیط کار و بحران‌های معیشتی، تنها راه رهایی اپراتورها و سیم‌بان‌های شرکت توزیع برق کشور از این وضعیت غیر قابل تحمل، تلاش برای متوقف کردن سیاست‌های مقررات‌زدایی و آزادسازی دستمزد و مزایا و حذف پیمانکارها و دلال‌های نیروی کار در وزارت نیرو و در سایر بخش‌های راهبردی تولید و خدمات کشور است. با مبارزه‌ای متحد بر محور احیای حقوق سندیکایی، حق برخورداری از تشکل سندیکایی مستقل، استقلال عمل طبقاتی و همزمان همبستگی با سایر اعتصاب‌ها و اعتراض‌ها به‌ویژه همبستگی با اعتصاب نفتگران درعین پیکار با سمت‌گیری اقتصادی - اجتماعی حکومت جمهوری اسلامی می‌توان به‌مصاف دیکتاتوری حاکم رفت.

چالش جنبش سندیکایی فرانسه در برابر تسلطِ «نولیبرالیسم» و گسترشِ «راست افراطی»

"نولیبرالیسم" در برابر "اتحادیه‌های" کارگری

از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۵ (۱۳۵۴ تا ۱۳۷۵خورشیدی) طی ۲۰ سال، سال‌های رکود بود. کدام عضو "ثژت" ("کنفدراسیون عمومی کار") در سال ۱۹۷۰/ ۱۳۴۹ می‌توانست باور کند طی طول عمر یک نسل تعداد روزهای اعتصاب و تعداد اعضای "ثژت" به سطح قبل از جنگ جهانی اول بازگردد یا راست افراطی در انتخابات از حزب کمونیست فرانسه پیشی گیرد؟

یورش نولیبرالیسم در فرانسه از سال ۱۹۷۲/ ۱۳۵۱ شروع شد. در این سال در نشست سندیکای کارفرمایان در شهر مارسی، کوشش برای مدیریت زحمتکشان به سمت فردگرائی به‌شیوه‌ای برنامه‌ریزی شده آغاز گردید. با استفاده از تجربه کشورهای اسکاندیناوی، مدیران شرکت‌ها، گردش کار، گسترش آن و در موردهایی ویژه، ایجاد گروه‌های نیمه مستقل تولید را به‌منظورک کاستن از امکانات زحمتکشان در اعتراض‌های دسته‌جمعی سازمان دادند. بدین‌سان دوره‌ای طولانی از رفرم‌ها آغاز شد، رفرم‌هایی که زندگی روزمره کار را به‌شیوه‌ای قابل ملاحظه دگرگون کرد. هدف، ضربه زدن به هر آن‌چیزی بود که دستجمعی باشد. این طرح با وارد کردن ساعات کار متغیر و انعطاف در بازار کار در جهت فردی کردن حضور و غیاب آغاز شد. هدف، توده‌زدائی و ایجاد سلسله‌مراتب و فردی کردن کار بود. بحث بر سر شکستن منطق قدرتمندی است که از پیوند دو عنصر پدید آمده‌است: فراهم کردن تشکیلات تایلری کار(حداکثر عملکرد در کارگاه) از یک سو و قدرت سندیکائی طبقاتی از سوی دیگر است.

این روند با فردی کردن پاداش همراه بود. در این دوران است که در قراردادهای جمعی معیارهائی وارد می‌شوند که بر پایه مدارک تحصیلی و تجربه کاری فقط بنا نشده‌اند، بلکه شایستگی و لیاقت حقوق‌بگیران نیز مطرح است که "معیارهای طبقه‌بندی کننده" نامیده می‌شود. هدف، به‌روشنی بازسازی طبقه‌بندی شغل‌هاست ولی با درهم شکستن منطق جمعی. در این وضعیت ناامید کننده، راست افراطی گسترش یافت و موجب شد تا در انتخاباتی بر پایهٔ انتخاب بین بد و بدتر "امانوئل مکرون" پیروز شود و برنامه‌های نولیبرالی با شعار نه راست نه چپ را گسترش دهد و شرایط زندگی زحمتکشان را وخیم‌تر کند.

مبارزه در شرایط کنونی"

درچنین اوضاعی ثژت باید با جدیت با وضعیت اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی، بین‌المللی، سیاسی امروزین روبرو شود. "سوفی بینه"، رهبر ثژت ، در مصاحبه با نشریه "اقتصاد و سیاست" حزب کمونیست فرانسه چنین می‌گوید: "برای پایان دادن به سلطهٔ روند 'وال استریت' (نهاد مالی در نیویورک) به تشدید مبارزه کارکنان نیاز داریم و همچنین به جهت‌گیری نوین ساختار مالی نیاز مبرم است. ثژت از مدت‌ها پیش ایجاد نهادی مالی به‌نام 'بانک سرمایه‌گذاری عمومی' را پیشنهاد می‌کند که در برنامهٔ 'جبهه نوین مردمی' درج شده‌است."

در زیر بخشی از مصاحبه سوفی بینه رهبر ثژت با روزنامه "اومانیته"- وابسته به حزب کمونیست فرانسه- گویا و بسیار خواندنی است.

اومانیته: پس از انتخابات قانونگذاری اقدام سرسختانهٔ امانوئل ماکرون به‌منظور تحمیل سیاستش را انتظار داشتیم. آیا رئیس‌جمهور برای آرامش بخشیدن به فضای کشور به کاستن از سیاست اقتصادی‌اش یا حتی کنار گذاشتن آن باید رضایت دهد؟

سوفی بینه: واضح است، اول این‌که، رأی دهندگان مسئولیت‌شان را در شکست دادن راست افراطی انجام دادند. همچنین سیاست اقتصادی و اجتماعی امانوئل ماکرون به‌شدت به‌چالش کشیده شد. از سال ۲۰۱۷/۱۳۹۶ برونو لومر، وزیر اقتصاد و امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور با دادن هزار میلیارد یورو هدیه به ثروتمندترین‌ها، کسری بودجه را افزایش دادند. هزار دانش‌آموز معلول در ابتدای سال تحصیلی نتوانسته‌اند به مدرسه بروند. هرگز تعداد آموزگاران قراردادی، یعنی بدون آموزش و قراردادموقتی، تا این حد نبوده است. اورژانس بیمارستان‌ها دیگر امکان ادامه انجام وظیفه ندارند. بیلان کار امانوئل ماکرون فاجعه‌بار است... امانوئل ماکرون با قرار دادن راست افراطی در مقام تأثیرگذارترین مهره، رأی فرانسوی‌ها را زیر پا گذاشت. در تمام دموکراسی‌های پارلمانی دیگر، نیروی سیاسی‌ای که در صدر قرار می‌گیرد مسئولیت تشکیل اکثریتی در برابر پارلمان را به‌عهده می‌گیرد. فقط در صورتی که موفق نشود، دیگر حزب‌ها حضور می‌یابند... درواقع، امانوئل ماکرون برای حفظ جهت‌گیری‌های اقتصادی در خدمت طبقه سرمایه‌دار، از به‌دست گرفتن دولت از سوی جبهه نوین مردمی((NFPجلو گیری می‌کند.

اومانیته: در وضعیت فعلیِ توازن قدرت آیا توزیع بهتر ثروت را می‌توان تحمیل کرد؟

سوفی بینه: کارفرمایان منافع سهام‌داران را ترجیح می‌دهند. برنامهٔ جبهه نوین مردمی برای سندیکای کارفرمایان((Medefنگران‌کننده بود، زیرا تعادلی به‌نفع جبهه کار را در نظر دارد. کارفرمایان در برابر راست افراطی سکوت و همراهی کردن با آن را انتخاب کرده‌اند. با این حال، گرایش به نژادپرستی در محیط کار وجود دارد. اگر کارفرمایان فقط از منافع اقتصادی کوتاه‌مدت‌شان دفاع کنند، مشروعیت‌شان را از دست می‌دهند. ما باید با قدرت سرمایه مواجه و درگیر شویم. این امر به سازمان‌دهی و بسیج اجتماعی‌ای اساسی نیاز دارد...

اومانیته: در مورد تحول‌های به‌وجود آمده در مجموع زحمتکشان، ثژت چه سازوکاری در نظر دارد؟

سوفی بینه: در طول جنبش علیه قانون بازنشستگی، اعتصاب‌ها گسترش نیافتند، زیرا با کمبود عضو روبرو هستیم. ما باید اتحادیه‌گرایی بدون عضو شدن را کنار گذاریم و کسانی را که گفتمان ثژت را قبول دارند به عضویت تشویق نمائیم. ثژت دگرگونی‌هایی برای این کار در نظر دارد. ما باید تشکیلات‌مان را با اتحادیه‌ها درشرکت‌های کوچک و متوسط سازگار کنیم...

اومانیته: دراین مدت در مقام دبیر کل ثژت، تعداد ملاقات باکارکنان شرکت‌ها را افزایش داده‌اید، با چه هدف‌هایی؟

سوفی بینه: به‌رغم مشارکت بی‌سابقه در انتخابات اخیر، نیمی از کارگران و ۴۲ درصد از کارمندان در انتخابات مجلس رأی ندادند. دلایل ساختاری این امتناع نگران کننده ازجمله فاصله گرفتن جبههٔ کار از حزب‌های چپ است که اغلب به انتظارات طبقهٔ کارگر پشت کرده‌اند و دیگر بار به حزب‌هایی طرفدار جبههٔ کار باید تبدیل شوند. هیچ‌وقت هیچ‌چیز از قبل نوشته نمی‌شود. از طریق بسیج جمعی از جمله ثژت بود که به نتیجه انتخابات ۷ جولای ۲۰۲۴/ ۱۷ تیرماه ۱۴۰۳ دست یافتیم. این در آینده به ما اعتماد به‌نفس باید بدهد.

برگرفته از: روزنامه "اومانیته" و نشریهٔ "اقتصاد و سیاست" حزب کمونیست فرانسه و تارنمای "ثژت" ("کنفدراسیون عمومی کار").

آدرس پستی: B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
آدرس سایت حزب: http://www.tudehpartyiran.org
ای-میل حزب: E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de
تلگرام حزب: https://t.me/tudehpartyirandotorg
فیس بوک حزب: https://www.facebook.com/profile.php?id=100064514717426
توییتر حزب: https://x.com/OfficialTudeh

For Peace, Independence, Democracy, Social Justice and Socialism

حزب تودهٔ ایران
Tudeh Party of Iran

Workers Supplement of "Nameh Mardom" No. 93, 30 December 2024
Central Organ of the Tudeh Party of Iran